



۲۰۱۹/۰۲/۲۷



داکتر محمد حلیم تنویر

## تاریخ زبان پشتو

اقتباس از فیسبوک محترم داکتر محمد حلیم تنویر



Halim Tanwir is with Afghanistan Rria and ۳ others.

تاریخ زبان پشتو

پشتو قدیمی ترین زبان آریایی است

نوشته: دکتر محمد حلیم تنویر

بخش اول

افغانستان با سابقه تاریخی و فرهنگی، نقش ارزشمند و تاریخی در رشد زبان و فرهنگ های متفاوتی که بازمانده زبان اویستایی اند، داشته و بخش از ارتقای زبان و فرهنگ در غنایی تاریخ ادبیات جهان نیز شمرده می شود.

به اساس پژوهش های زبانشناسان جهان، پشتو یکی از زبان های دیرینه و قدیم آریانا است که با سانسکریت و دری شباهت زیادی دارد. زمانی که اقوام آریایی از سرزمین اصلی خود "آریاناویجه" و از "بخدی" یا بلخ امروز به طرف جنوب (هند) و غرب (ایران و اروپا) کوچ نمودند، بخشی از این اقوام در امتداد دریای هریرود، هلمند و دامنه های کوه های سپین غر نیز متوطن شدند و چراگاه های را برای مواشی بوجود آوردند که از لحاظ اقتصادی خود کفا و متوطن شدند. در این مدت زبان این اقوام نیز با لهجه های متفاوتی تغییر شکل نمود. "قبیله (پکعت) که یکی از قبایل بزرگ و مشهور آریایی در بلخ بود حدود سه و نیم تا چهار هزار سال قبل در شمال افغانستان زندگی می کردند. در این زمان مهاجرت دوم اقوام آریایی آغاز گردید که یک عده آنان بسوی هند و دیگران بسوی بحیره کسپین حرکت نمودند. امکان هم دارد که بخشی از این اقوام جانب دریای نیل رفته باشند" (ت، ص ۹)

آریایی های که بطرف هند رفتند در وجود آوردن زبان سانسکریت و عشایری که به ایران رفتند، لهجه پهلوی (فارس قدیم) را شکل نوشتاری و بهتر دستوری دادند که مظاهر زبان اویستایی و زبان های پشتو و دری و سغدی را می توان در این زبان ها دریافت.

عده از آریایی ها که در دامنه های هندوکش مسکن گزین شدند، زبان شان تغییر نمود. در شمال هندوکش زبان

دری به پخته گی رسید و لهجه های گذشته و ماحول خود را در خود ضم و هضم کرد. در جنوب افغانستان هندوکش، کوهستان های غور و سپین غر تا وادی سیستان زبان پشتو بعنوان یک شاخه زبان آریایی شکل گرفت.

همچنانکه قرابت و شباهت های زیادی بین زبان های دری و پشتو موجود است، تأثیرات و همگونی های زیادی با زبان های فارسی پهلوی، سانسکریت، اردو، بلوچی و آذری دارد. پس با وضاحت می توان گفت که تمام این زبان ها از همان ریشه اصلی اویستای آریاناویچه برخاسته است. و زبان های دری و پشتو، هر دو از قدیمی ترین زبان های آریایی و تکامل یافته زبان اویستایی اند.

جیمز دارمستتر، شرق شناس فرانسوی می نویسد: "پشتو یکی از بقایای زبان اویستایی است که کتاب مقدس زردشتیان به آن زبان نوشته شده است. (الف، ص ۱۰۰)

بنابر پژوهش های جیمز دارمستتر، هرگاه کتاب مقدس زردشتیان به زبان پشتو نگاشته شده باشد، بوضاحت تأثیرات این زبان را می توانیم در زبان های دیگر آریانا نیز دریابیم و در آثار باقیمانده وجه تشابه زبانی را در کتیبه ها می تواند دید.

یکی از تمدن های قدیم بشریت، تمدن سومری هاست که حدود شش هزار سال قبل در کرانه های سفالی دریای فرات در عراق زندگی می کردند و در ساختن ابزار های طلایی و مسی برای اولین بار، تحول انسان را بسوی مدنیت پیشگام شدند.

"در زبان سومری های، الفاظ و کلمات پشتو نیز دیده می شود. طور مثال (زک کرت) که به زبان سومری ها (جای بلند) معنی میدهد. در زبان پشتو (زک) یا (جگ) هم بلند معنی داشته و کلمه (کرت) به معنی (جای) یا (کوه) است." (ب، ص ۳۲ و پ، ص ۳۱)

"بعضی مؤرخان می نویسند که پشتون ها از نسل اقوام قبطی را که در کرانه های دریای نیل زندگی می کردند می دانند." (الف، ص ۱۰)

سید جمال الدین افغان می نویسد: "بعضی از مؤرخین خیال دارند که افغان ها از نسل آشوری و کلدانی ها می باشند و گروهی از سیاحان فرنگ دعوی دارند که در الفاظ پشتو لغات کلدانی یافت می شود. طائفه از ایشان تصور می نمایند که این قبائلی که دره های اتک و خراسان را ماوی گرفته اند از نسل آن اقباط مصریانی می باشند که با عسکر (سوزستریس) در هنگام فتح بلاد هند شامل بودند.

زمره از مؤرخین می نگارند که از اسباط بنی اسرائیل می باشند و (بخت نصر) بعد از کشتار زیادی بقیه السیف ایشان را در کوهستان غور جا داده. بعضی از نویسندگان می نگارند که ملت افغان مسکن نوین خود را به غرض یادگار وادی که در سرزمین شام داشتند (غور) نامیدند." (ج، ص ۶۶)

یکی از محققین یونانی بنام "استرابون" در قرن اول میلادی می نویسد که: "باختر ها، پارس ها، سغدی ها با یک زبان مشترک - ریمی مفاهمه داشتند." اما به طور یقینی آشکار نیست که به چه زبانی. اما زبان دری و پشتو که بنیاد و ریشه های عمیق با زبان اویستایی دارد، همه زبان های دیگر را زیر تأثیر خود داشت.

در بخش شاخه بندی های زبان آریایی، عده از محققین این زبان ها را به سه شاخه تقسیم نموده اند:

۱ - شاخه زبان های هندی یا هندیک که زبان های سانسکریت، پراکریت، هندی، اردو، پنجابی، کچراتی و زبان های محلی کوچک که در شمال و غرب هند مروج است.

۲ - شاخه زبان های (پارتیک) که عبارت از زبان قدیم دری، ساسانی، پهلوی، فارسی و لهجه های اشکانی، گیلکی و کردی اند.

۳ - شاخه زبان های باختری که بنام زبان (پشتیک) هم یاد می شود و عبارت از زبان های پشتو، بلوچی، اورمری، پراچی، پشه یی و زبان های کوچک مروج در جنوب افغانستان اند  
عده از محققین زبان های اوستا، سانسکریت و پشتو را از جمله زبان های خواهران صمیمی آریایی دانسته اند که تنها ازین سه زبان، پشتو یگانه زبانست که تا هنوز در بین مردم مروج است و زنده مانده است. (ب، ص ۴۱)

زبان پشتو ریشه های زبان اوستایی دارد و ریشه زبان را ما با وضاحت در کلمات اوستایی پیدا نموده می توانیم.

دکتور براون در کتاب "تاریخ ادبیات" خویش می نویسد:

"پشتو ظاهراً از لفظ پشتون و یا پختون آمده که نام قبیلۀ از آریایی هاست. این زبان اصلاً از زبان های هند و اروپایی بشمار رفته و با زبان های قدیم آریایی مانند سانسکریت و اویستایی خویشاوندی دارد. (ث، ص ۱۳۱)"

یکتن از محققین زبان شناس ناروژی بنام پروفیسور مارگنسترن می نویسد که: افغانستان برای مطالعات زبان های آریایی از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا افغانستان مرکز زبان های آسیایی و اروپایی بوده و زبان پشتو در زبان های آریایی از جمله لسان های مهم شمرده می شود. (با مراجعه به مأخذ شماره : ب، ص ۴۴) در مورد پشتون ها در ریکویدا (پکیت، پکیتا) یاد شده است و سرزمین پشتون ها بنام (پکتیا) و (پکتین) آمده است.

در اوستا کلمات (اوغنه، ایغنه، ایغانه) بعنوان مردم قبایل ذکر گردیده است.

در سانسکریت نیز کلمات (اوگهنه، اپکهنه) برای پشتون ها آمده است که به معنی نگهبان کوه ها و یا جا های بلند است.

کلمۀ (اوغان) در زبان ارمنی به معنی پاسداران کوه است.

کلمات (ابگان، اپگان اپاگهان) که همان کلمه افغان است لقبی است که به شاهپور اول و سوم داده شده است و به معنی شیر صفت و شجاع است که در کتیبه نقش رستم در بیستون تا هنوز وجود دارد..

کلمه "پشتو" با نام عشیره (پشت) یا (پکت) ارتباط مستقیم دارد. در کتاب ویدا (پکت) یکی از عشایر ده گانه قوم آریایی محسوب گردیده است. (د ص ۳۳۴)

هیروودوت مؤرخ مشهور یونانی در سال ۴۸۴ ق.م، پشتون ها را بنام "پکتی" یا "پکتویس" یاد کرده و جا و مکان شانرا بنام "پکتیا" و "پکتیخاب" ذکر کرده است که در ادبیات قدیم پشتو "پشتنخا" نیز تذکر رفته است. (ذ، ص، ۳۳۰)